



شرط ثبات در قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز

تالیف
ایمان سلیمانی
وکیل دادگستری

انتشارات قانون یار

۱۳۹۸

سرشناسه	: سلیمانی، ایمان، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: شرط ثبات در قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز / تألیف ایمان سلیمانی.
مشخصات نشر	: تهران: قانون‌یار، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۲ص: جدول.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۹۱-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: قراردادهای نفت و گاز
موضوع	: Oil and gas leases
موضوع	: قراردادهای نفت و گاز -- ایران
موضوع	: Oil and gas leases -- Iran
موضوع	: بازرگانی بین‌المللی -- قراردادها
موضوع	: International trade -- *Contracts
موضوع	: سرمایه‌گذاری خارجی -- قوانین و مقررات
موضوع	: Investments, Foreign -- Law and legislation
موضوع	: داوری بین‌المللی تجاری
موضوع	: International commercial arbitration
رده بندی کنگره	: ۳۹۱۵K
رده بندی دیویی	: ۰۷۷۲/۳۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۱۶۰۴۳

انتشارات قانون‌یار

شرط ثبات در قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز

تألیف: ایمان سلیمانی

ناشر: انتشارات قانون‌یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۴۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۹۱-۷

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ مرکز پخش قانون‌یار

تقدیم بہ پدر و مادر عزیزم

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۱
فصل اول	۱۹
مفاهیم بنیادی	۱۹
مبحث اول: قراردادهای نفتی	۱۹
گفتار اول: پیشینه قراردادهای نفتی	۲۰
گفتار دوم: انواع قراردادهای نفتی	۲۱
بند ۱- قراردادهای امتیازی	۲۲
بند ۲- نظامهای قراردادی	۲۳
مبحث دوم: تفاوت قراردادهای نفتی با سایر قراردادها	۲۸
گفتار اول: تفاوت قرارداد جدید نفتی با سایر قراردادهای نفتی منعقد در ایران	۲۸
گفتار دوم: تفاوت IPC با قراردادهای بیع متقابل	۳۱
گفتار سوم: مقایسه برخی از انواع قراردادهای نفتی	۳۴
گفتار چهارم: مقایسه ی قراردادهای بیع	۳۶
مبحث سوم: شروط قراردادی	۴۱
گفتار اول: شروط صحیح قراردادی	۴۱
گفتار دوم: شروط باطل قرارداد	۴۳
مبحث چهارم: مفهوم و مصادیق شرط ثبات	۴۵
گفتار اول: مفهوم شناسی و جایگاه شرط ثبات در حقوق	۴۵
گفتار دوم: نظریات مربوط به شرط ثبات در قراردادهای بین‌المللی نفتی	۴۷
گفتار سوم: انواع مختلف شرط ثبات	۴۹
بند ۱- شرط ثبات به معنای اخص کلمه	۴۹
بند ۲- شرط انجماد	۴۹
بند ۳- شرط عدم تسری	۵۱



- بند ۴- شرط عدم مداخله ۵۲
- بند ۵- شرط موازنه‌ی اقتصادی؛ ۵۴
- بند ۶- درجات مختلف شرط ثبات ۵۵

فصل دوم ۶۳

- تاثیر حاکمیت دولت بر توازن قراردادهای نفتی ۶۳
- مبحث اول: اقدامات حاکمیت دولت ۶۳
- گفتار اول: خطرات سرمایه‌گذاری ناشی از حاکمیت ۶۳
- گفتار دوم: نقش شرط ثبات در قراردادهای بین‌المللی نفتی ۶۵
- گفتار سوم: شرط ثبات و حاکمیت ۶۸
- مبحث دوم: تاثیر وضع قوانین جدید در این باب ۷۰
- گفتار اول: قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی نفتی و شرط ثبات ۷۰
- مبحث سوم: ماده ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ شرایط عمومی پیمان ۹۸
- گفتار اول: جایگاه پیمان در تقسیمات عقود ۹۸
- مبحث سوم: اجزاء پیمان ۱۰۲
- گفتار دوم: شرایط عمومی پیمان ۱۱۴
- گفتار سوم: فسخ پیمان ۱۱۷

فصل سوم ۱۳۲

- اعتبار شرط ثبات در نظام حقوقی ایران ۱۳۲
- مبحث اول: جایگاه تضمین شرط ثبات در قراردادهای دولتی نفت و گاز ۱۳۲
- مبحث دوم: اعتبار شرط ثبات در قراردادهای بین‌المللی نفت ۱۳۵
- گفتار اول: اعتبار شرط ثبات از دیدگاه حقوق ملی ۱۳۵
- گفتار دوم: عدم نقض حقوق بین‌الملل ۱۳۸
- مبحث سوم: اعمال شرط ثبات ۱۳۹
- گفتار اول: قابلیت اجرای حقوق بین‌الملل ۱۳۹



گفتار دوم: اصل وفای به عهد.....	۱۳۹
گفتار سوم: اصل اعتماد و محرمانه بودن اطلاعات	۱۴۰
گفتار چهارم: اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی.....	۱۴۱
مبحث چهارم: تاثیر شرط ثبات در قانون گذاری	۱۴۳
مبحث پنجم: مزیت‌ها و معایب شرط ثبات.....	۱۵۱
منابع و مأخذ.....	۱۷۰

پیشگفتار

تعهدی را که براساس آن کشور میزبان نمی‌تواند مفاد قرارداد را با وضع قانون یا هر وسیله دیگری، بدون رضایت طرف دیگر، تغییر دهد را شرط ثبات می‌گویند. با توجه به ماهیت حساس اکتشاف و استخراج میادین نفتی، چنین شروطی نه تنها تأمین‌کننده بخشی از منافع سرمایه‌گذار خارجی است بلکه در مواردی (همانند شروط مذاکره مجدد و انطباق) در جهت منافع دولت میزبان نیز هستند. شروط ثبات انواع مختلفی داشته که شرط ثبات مستقیم، نامحسوس، اقتصادی و مذاکره مجدد از جمله آنهاست؛ و در بسیاری از آرای دادگاه‌ها و داوران مورد حکم قرار گرفته‌اند؛ اما همواره کشورهای پیشرفته با تکیه به تئوری الزام قراردادی و کشورهای در حال توسعه با توسل به دکترین اصل اولیه حاکمیت دولت بر منابع طبیعی، آن را مورد نقد بسیار قرار داده‌اند. در هر حال کتاب حاضر به ارزیابی شرط ثبات در قراردادهای نفتی می‌پردازد که هدف اصلی و سعی وافر طرفین هر توافقی، عدم تغییر و تثبیت مفاد قراردادشان می‌باشد. بخصوص در قراردادهای نفتی به دلیل وجود دولت با اقتدارات فراوان در یک طرف قرارداد، این اهمیت دو چندان خواهد بود. از سوی دیگر روابط میان دولت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی شبیه روابط میان دولت‌ها نمی‌باشد. در قراردادهای نفتی دولت‌ها از موقعیت ممتازی برخوردارند، بنابراین عمل دولت بایستی با حسن نیت و بدون هیچگونه لطمه‌ای باشد. به طور حتم، بنا به دلایل عنوان شده در امکان تغییر این قراردادها، تغییر آنان حتی با وجود شرط ثبات^۱ قابل توجه می‌باشند. فضای حقوقی مناسب برای سرمایه‌گذاری در دولت میزبان تنها زمانی ارزش واقعی دارد که در تمام مدت طولانی

۱ عبارت Stabilization Clause SC در ترجمه ی تحت اللفظی به صورت «شرط ثبات» می باشد اما درگفتمان حقوقی عبارت «شرط ثبات» مصطلح می باشد و در این مقاله نیز این عبارت مورد استفاده قرار می گیرد.



سرمایه‌گذاری، محیط مساعد برای سرمایه‌گذاری تداوم یابد و دولت میزبان با اقدامات خودسرانه‌ی خود حقوق مالی سرمایه‌گذاران را به خطر نیندازد. در نتیجه، سرمایه‌گذاران خارجی می‌بایست در قراردادهای دولتی خود، به‌خصوص با دولت‌هایی که با ریسک‌های سیاسی متنوع دست‌وپنجه نرم می‌کنند، تضمیناتی را پیش‌بینی کنند که وقوع اصلاحات و تغییرات آتی نامطلوب در قوانین داخلی دولت میزبان حقوق مالی آنان را به مخاطره نیندازد.^۱ از طرف دیگر، در هر قراردادی، از جمله قراردادهای دولتی، هر یک از مواد و شروط از اهمیت خاصی برخوردار هستند. در نتیجه نمی‌توان ادعا کرد که کدام‌یک از مواد و شروط بر مواد و شروط دیگر تفوق دارند. در راستای اعمال سازوکارهای موجود در جهت حفظ و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در دولت‌های سرمایه‌پذیر می‌توان اعتقاد داشت که شرط ثبات از مؤلفه‌های اساسی حرکت به سوی ثبات قراردادی می‌باشد. حال، برای تعریف شرط ثبات در ابتدا می‌بایست با مفهوم قراردادهای دولتی آشنا بود. منظور از قراردادهای دولتی آن دسته از قراردادهایی می‌باشند که دولت، اعم از مؤسسات دولتی فاقد ماهیت حقوقی مجزا از دولت یا دارای شخصیت حقوقی مستقل، با اشخاص خصوصی خارجی، اعم از حقیقی یا حقوقی، منعقد می‌کند.^۲ البته قراردادهایی که میان دولت‌ها برای اعمال تصدی‌گری^۳ منعقد می‌شوند نیز در شمول این قراردادها می‌باشند.^۴ همچنین باید توجه داشت که دولت در این گونه از قراردادها از موضع حاکمیت خویش اقدام به انعقاد چنین قراردادهایی می‌نماید که

^۲ Political risks

^۲ Irwin, W., "Political Risks: A Realistic View toward Assessment, Quantification, and Mitigation" in Moran, T., (ed.) *Managing International Political Risks*. ۱۹۹۸, ۶۲,

^۳ البته قراردادهایی که میان دولت‌ها برای اعمال تصدی‌گری منعقد می‌شوند نیز در شمول این قراردادهای می‌باشند. رک: نیکبخت، حمیدرضا، «مروری بر تنظیم قراردادهای دولتی در حقوق تجارت بین‌الملل»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، بهار و تابستان، شماره‌های ۱۵ و ۱۶، ۱۳۸۴، ص ۲۰.



این امر به نوبه‌ی خود و علی‌رغم مقبولیت و گستردگی این گونه از قراردادهای مسائل سیاسی و اجتماعی متعددی را منجر می‌شود. مهم‌ترین مسئله‌ی مورد بحث در این زمینه، نابرابری قراردادی طرفین قراردادهای دولتی می‌باشد که منجر به بروز مسائل حقوقی و ابهامات ماهوی گوناگون می‌گردد. در نتیجه‌ی این نگرانی‌ها، طرفین قرارداد دولتی، علی‌الخصوص سرمایه‌گذار خارجی، دچار تردیدهایی در مورد آینده‌ی قرارداد می‌شوند. در نتیجه برای حل تعارضات و پیشگیری از بروز مشکلات آتی در مفاد قرارداد دولتی شرطی پیش‌بینی می‌گردد که از یک طرف مفاد مواد و شروط مندرج در قرارداد را تثبیت کند و از طرف دیگر قرارداد را از خطرهای محتمل و یا گاه غیرمعمول تجاری مصون بدارد. این شروط، راه کار سنتی اعمال این موارد می‌باشند و در کنار انتخاب قواعد غیر ملی به عنوان ابزار کنترل کیفی قوانین ملی توسط سرمایه‌گذاران در قراردادهای دولتی پیش‌بینی می‌گردند.^۱ شرط ثبات در قراردادهای سرمایه‌گذاری اصولاً به منظور مقابله و تقلیل ریسک سیاسی ابداع شده است. لازم به ذکر است که به تغییر سیاست‌های دولت سرمایه‌پذیر در اصطلاح ریسک سیاسی می‌گویند. شرط ثبات معمولاً در قراردادهای درازمدت و بالأخص در بخش منابع طبیعی در قرارداد سرمایه‌گذاری درج می‌شود. شرط ثبات در قراردادهای سرمایه‌گذاری به این معنی است که طرف دولتی تعهد می‌کند تا قبل از پایان عمر قرارداد با تصویب قوانین و مقررات جدید تعهدات خویش را در قرارداد دستخوش تغییر قرار ندهد.^۲

۱ طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، «مفهوم، انواع و قواعد حاکم بر قراردادهای عمومی»، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی، شماره ۷، سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۰۲.

۲ القشیری، احمد، «قانون حاکم بر نسل جدید قراردادهای نفتی، چرخش در روند داوری»، ترجمه محسن مجبی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ش ۲۹، پاییز ۱۳۸۲، ص ۳۲.



از طرف دیگر نیز می‌توان معتقد بود که دولت میزبان با پیش‌بینی شرط ثبات در قراردادهای دولتی به دنبال جذب اعتماد هر چه بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی در مراحل آغازین فرآیند سرمایه‌گذاری می‌باشد و خواستار این است که فضای حاکمیتی خویش را برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی مناسب، مساعد و با حداقل مخاطرات نشان دهد که البته با توجه به ماهیت، طول‌المدت و نیز سودآور بودن سرمایه‌گذاری‌های خارجی چنین رویکردی دور از ذهن نمی‌باشد. در نتیجه می‌توان این‌گونه اعتقاد داشت که پیش‌بینی این شرط برای دولت‌های سرمایه‌پذیر نیز دارای کارکردی اعتلایی می‌باشند.^۱ اگرچه در ظاهر امر^۲ هدف از پیش‌بینی چنین شرطی تثبیت و تضمین حقوق طرفین می‌باشد، اما با این حال در منصفی عمل، این شرط، دولت سرمایه‌پذیر را از توسل به قانون‌گذاری و اعمال اعمال حاکمیتی مغایر با شرایط زمان انعقاد قرارداد یا تغییر اوضاع و احوال سرمایه‌گذاری و یا حتی فسخ یک‌جانبه‌ی قرارداد منع می‌کند؛^۳ بنابراین اگرچه شرط ثبات در قراردادهای دولتی شخص خصوصی خارجی را از مداخله و تصمیم‌گیری یک‌جانبه دربارهِ شرایط قرارداد باز می‌دارد، اما عملاً مانعی برای دولت سرمایه‌پذیر می‌باشد تا قوانین و مقررات خود را در هماهنگی با مفاد قرارداد دولتی خویش نگاه داشته و آن‌ها را همچون زمان انعقاد قرارداد ثابت نگاه دارد و در واقع به هیچ‌گونه عملی که به تغییر اوضاع و شرایط زمان انعقاد قرارداد منجر می‌شود دست نیازد.^۴ در نتیجه این

۱ پیران، حسین، مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی، انتشارات گنج دانش، ۸۶.

2 Mann, Howard, "Stabilization in Investment Contracts: Rethinking the Context, Reformulating the Result", (2011) 1(2) ITN

3 Prima facie

۴ طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، پیشین، ۱۲۰.



شرط دولت سرمایه‌پذیر را از اقداماتی نظیر مصادره‌ی مستقیم یا غیرمستقیم^۱ و یا ملی کردن^۲ اموال و منافع طرف دیگر قرارداد دولتی؛ یعنی شخص خصوصی خارجی منع می‌نماید. البته در صورتی که موارد بالا در سرمایه‌گذاری‌های خارجی اتفاق بیافتد حداقل تضمینی که برای صیانت و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در دسترس می‌باشد جبران خسارت مالی مناسب است که نه تنها همواره مورد توجه دیوان‌های داوری بوده است بلکه به صورت یکی از اصول حقوقی شناخته‌شده‌ی سرمایه‌گذاری خارجی در این حوزه مورد شناسایی قرار گرفته است.^۳ ماهیت وجودی چنین شرطی برای متعهد نمودن بیشتر دولت سرمایه‌پذیر در حفظ و صیانت از منافع و اموال سرمایه‌گذار خارجی می‌باشد و به دلیل اهمیت وجود ثبات در قراردادهای بلندمدت سرمایه‌گذاری وجود چنین شرطی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. با این حال باید توجه داشت که این شرط تعهد ویژه‌ای را برای دولت میزبان مورد شناسایی قرار می‌دهد. با این مقدمه، مقاله پیش رو ابتدا انواع مختلف شروط ثبات را از نظر می‌گذراند. در بخش (۲) درجات مختلف و تکنیک‌های گوناگون برای تمهید شروط ثبات مورد مذاقه قرار می‌گیرند.

شرط ثبات، تعهد ویژه‌ای است که براساس آن کشور میزبان نمی‌تواند مفاد قرارداد را با وضع قانون یا هر وسیله دیگری، بدون رضایت طرف دیگر، تغییر دهد. با در نظر گرفتن ماهیت حساس اکتشاف و استخراج میادین نفتی، چنین شرطی نه تنها تأمین‌کننده بخشی از منافع سرمایه‌گذار خارجی است بلکه در برخی موارد همانند شروط مذاکره مجدد و انطباق در جهت منافع دولت میزبان نیز هستند. شروط ثبات انواع مختلفی داشته که شرط ثبات مستقیم،

۱ ایرانپور، فرهاد، «نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی دولت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش.

۶۲، زمستان ۸۲، ص. ۶۷.

2 Direct or indirect expropriation

3 Nationalization



نامحسوسی، اقتصادی و مذاکره مجدد از جمله آنهاست؛ و در بسیاری از آرای دادگاهها و داوران مورد حکم قرار گرفته اند؛ اما همواره کشورهای پیشرفته با تکیه به تئوری الزام قراردادی و کشورهای در حال توسعه با توسل به دکترین اصل اولیه حاکمیت دولت بر منابع طبیعی، آن را مورد نقد بسیار قرار داده اند.

قراردادهای نفتی از قرن نوزدهم به بعد مقام و موقعیت خود را یافتند و به تدریج طرفین این نوع قراردادها به اهمیت آنها واقف شدند و توجه و دقت بیشتری در تنظیم قراردادهای مذکور و مفاد تشکیل دهنده آنها اعمال نمودند، برجسته ترین دکترین در قرن نوزدهم و دهه های اولین قرن بیستم حاکمیت قواعد «قانون ملی» بر این قراردادها بود. نیمه دوم قرن بیستم تا پایان دهه هفتاد این قرن را باید دوره دگرگونی و تحول در این قراردادها دانست، در این برهه از زمان اتفاقات و حوادث گوناگون بروز کرد که موجب تغییرات شگرف در صحنه سیاسی و اقتصادی جهان گردید، استقلال کشورهای تحت سلطه و آزادی آنها از یوغ استعمار به فاصله کوتاهی پس از خاتمه جنگ دوم جهانی و متعاقب آن صدور قطعنامه های سازمان ملل متحد و مسأله حاکمیت ملتها بر منابع طبیعی و ثروت ملی خود و تأثیر آن در اقدام به ملی کردن گسترده توسط کشورهای تازه استقلال یافته و کشورهای جهان سوم، از حوادث مهم و تاریخی این دوره به شمار می روند. یکی از اقداماتی که شرکت های طرف قرارداد نفتی انجام می دهند، تلاش برای به حداقل رساندن ریسک ناشی از کنترل بر قرارداد است. چرا که اکتشاف و بهره برداری منابع نفتی، شرکت نفت را در وضعیت تجاری کاملاً پیچیده ای در مقابل کشور خارجی قرار میدهد. دولت مالک، منابع را با شرکتهای نفتی بین‌المللی در بخشی که نوسان سرمایه، مخاطرات و سود بسیار محتمل است را به هم پیوند میزند. مسئله مهم در قراردادهای نفتی از دیدگاه شرکتهای طرف قرارداد امنیت روند این قراردادهاست. در



خصوصاً امنیت معاملات نفتی و ماهیت آن میزان خطری است که بر سر راه سرمایه گذاری قرار دارد. منابع با عمر طولانی طرح های انرژی از قبیل اکتشاف و استخراج نفت در مقایسه با طرح های کوتاه مدت، به ثبات و پایداری بیشتری نیازمندند. شرکت ها برای فرار از بلا تکلیفی مالی، مدام به دنبال تأمین ثبات برای وضع موجود هستند. یکی از راه های کم کردن این خطرات، بهره مندی از شروط ثبات در قراردادهای بین المللی میباشد. شرط ثبات، تعهد ویژه ای است که براساس آن کشور میزبان نمی تواند مفاد قرارداد را با وضع قانون یا هر وسیله دیگری، بدون رضایت طرف دیگر، تغییر دهد.

فصل اول

مفاهیم بنیادی

مبحث اول: قراردادهای نفتی

دیدگاه صاحب‌نظران این است که قرارداد یک بستراست و بستگی به ویژگی‌های خاص هر منطقه و هر کشوری می‌تواند قابلیت خاصی را از خود بروز دهد، هر چند که هر یک از قراردادها از نظر ذاتی و عرضی ویژگی‌هایی دارند که می‌تواند تحت عنوان اشکالات ذاتی و عرضی از آنها بحث کرد. اما امروزه قرارداد های نفتی ایران موسوم به^۱ IPC را می‌توان قرارداد خرید خدمتی دانست که در نزدیک ترین موقعیت ممکن به قراردادهای مشارکت در تولید قرار دارد. IPC را می‌توان تا حدود زیادی الهام گرفته از نسل جدید قراردادهای نفتی کشور عراق موسوم به قراردادهای Fee Per Barrel دانست؛ قراردادهایی که در سال های اخیر توانستند شرکت های بین المللی نفتی مطرح در دنیا را برای سرمایه گذاری در میادین عراق جذب کنند. این امر خود گواه این موضوع است که اکنون حرکت از قراردادهای

۱ مخفف کلمه Iran Petroleum Contract به معنی قراردادهای نفتی ایران می باشد که نسل جدید قراردادهای نفتی است.



مشارکت در تولید به سمت قراردادهای خرید خدمت در میادین نفتی در دنیا در حال آغاز شدن است، کما اینکه در چند دهه قبل، حرکت از قراردادهای امتیازی به سمت قراردادهای مشارکت در تولید اتفاق افتاد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران از حدود بیست سال پیش استفاده از قراردادهای بیع متقابل را که نوعی از قراردادهای خدماتی می باشد را در دستور کار خود قرار داده است. فارغ از این بحث که چه میزان از اهداف قراردادهای بیع متقابل محقق شده است، پیشتازی جمهوری اسلامی ایران از سایر رقبا در حرکت به سمت قراردادهای خرید خدمت ستودنی است.

گفتار اول: پیشینه قراردادهای نفتی

پیش ازینکه به بحث در باب قراردادهای نفتی بپردازیم لازم به ذکر است که ابتدا تاریخچه ای از آن را بیان کرده ایم که شرط ثبات از چه زمانی شروع شده و ابتدا در چه قراردادهایی رایج بوده است. قراردادهای نفتی از قرن نوزدهم به بعد مقام و موقعیت خود را یافتند و به تدریج طرفین این نوع قراردادها به اهمیت آنها واقف شدند و توجه و دقت بیشتری در تنظیم قراردادهای مذکور و مفاد تشکیل دهنده آنها اعمال نمودند، برجسته ترین دکترین در قرن نوزدهم و دهه های اولین قرن بیستم حاکمیت قواعد «قانون ملی» بر این قراردادها بود. نیمه دوم قرن بیستم تا پایان دهه هفتاد این قرن را باید دوره دگرگونی و تحول در این قراردادها دانست، در این برهه از زمان اتفاقات و حوادث گوناگون بروز کرد که موجب تغییرات شگرف در صحنه سیاسی و اقتصادی جهان گردید، استقلال کشورهای تحت سلطه و آزادی آنها از یوغ استعمار به فاصله کوتاهی پس از خاتمه جنگ دوم جهانی و متعاقب آن صدور قطعنامه های سازمان ملل متحد و مسأله حاکمیت ملت ها بر منابع طبیعی و ثروت ملی خود و تأثیر آن در اقدام به ملی کردن گسترده توسط کشورهای تازه استقلال یافته و